[223] بی نیازی ام بخشیده أي، وتو کسی هستی که معبودي جز تو نیست، خود را بهر چیز شناسانده أي، از اینرو چیزی نیست که تو را نشناسد، وتو کسی هستی که در هر چیز خود را به من شناساندی، از اینرو تو را آشکارا در هر چیز دیدم، وتوئی که برای هر چیز نمایانی. أي آنکه به مهربانی خود پایدار گردید، در نتیجه عرش در ذاتش پنهان گردید، آثار را با آثار نابود ساخته، ونامحرمان را با احاطه کننده هاي مدارهای انوار محو نمودی، أي آنکه در سراپرده هاي عرش نوراني خویش آنچنان پیچیده أي که چشمها از دیدنت عاجزند. أي آنکه با کمال زیبائی ونورانیت آنچنان تجلی کرده أي که عظمتت بر تمامی ما سایه افکنده است، چگونه می توان گفت که پوشیده أي در حالیکه اینگونه آشکاری، یا چگونه می توان گفت که غائبي، در حالیکه اینگونه مراقب وحاضری، تو بر هر کار قادری وستایش تنها تو را سزاست. _____